

# بحث در موضوعات حقوق جزائی

حقوق جزائی اختصاصی

## ولگردی

می گذارد.

حال بینیم ولگردی از نظر حقوق جزائی چگونه تعریف و ولگرد بچه کس اطلاق میشود؟ ولگردی عبارت از وضعیت شخصی است که باند داشتن وسایل زندگی عادی و اقامتگاه معلوم و معین بدون هیچ پیشه و کاری زندگی نموده و این وضعیت حالت عادی و معمولی زندگی او باشد.

عناصر تشکیل دهنده این گناه

از این تعریف چنین نتیجه میگیریم که عناصر لازم برای وقوع گناه (ولگردی) سه است:

۱ - نداشتن اقامتگاه معلوم و معین

مقصود از اقامتگاه محلی است که شخص بطور عادی در آن بسر میبرد خواه اقامتگاه دائمی او باشد خواه بطور اتفاق و غیر دائم در آن ساکن گردد. در این حالت قانون منصرف از اقامتگاه قانونی و عملی است بلکه منحصر محل واقعی و معینی که شخص در آن بسر میبرد منظور نظر است.

برخلاف هر گونه محلی را هم نمیتوان اقامتگاه

معرفی نمود - مثلا خانه هائی که محل عیش و عشرت بوده یا برای دفع هوسرانی اشخاص و مورد اغماض و چشم پوشی باشد نمیتوان اقامتگاه دانست.

همچنین بسر بردن در اطاق یا محلی باجمعی از

اوباش و یا آنها که سوابق جزائی دارند بد داشتن اقامتگاه

شاید کمتر و بلکه بسیار نادرا اتفاق میافتد که این گناه در عمل مورد تعقیب دادسرا واقع و بصدر حکم کیفر منتهی گردد. و حال آنکه بعقیده بسیاری از دانشمندان حقوق جزائی ولگردی ما در امراض اخلاقی و یکی از عوامل مؤثره در پرورش افکار مجرمانه است چمعمولا ولگردان از طبقه تنبل - کم فکر - بیشهامت و طفیلی جامعه هستند که مایل اند پیوسته آسایش خود را از رنج دیگران تأمین و چون این منظور از راه شرافتمندانه و مشروع تحصیل نخواهد شد ناچار به وسایل خطرناک متوسل شده و از راه ارتکاب جرائم زندگی و معیشت یا هوا و هوس خویش را تأمین کنند.

اینست که در بیشتر کشورهای متمدن موضوع ولگردی مورد توجه و دقت مخصوص قرار گرفته اداره مستقلی در شهر بانی هر شهر برای تعقیب ولگردان و مبارزه با این عمل زشت تأسیس و هر کس مورد سوء ظن یا بجهتی تحت تعقیب مأمورین شهر بانی و دادسراها قرار گیرد در درجه اول شغل و پیشه و وسایل زندگی او را مورد بررسی و بازجوئی قرار میدهند.

قانون کیفر عمومی ایران هم این امر را گناه تشخیص و قابل کیفر دانسته و لازم است که با منتهای دقت تحت تعقیب قرار گیرد چنانچه در کشور های دیگر هم از روی آمار دقیق هر زمان که با ولگردی مبارزه شدید میشود بالملازمه در آمار جزائی کشور تأثیر مستقیم نموده و تبه کاری رو بقصان

تعمیر نخواهد شد. از طرف دیگر عمده اثبات در داشتن محل اقامت باشخص متهم است - ولی همیتقدر که وی ثابت نمود دارای زندگی حسابی و عادی بوده و باصطلاح معروف «لا مکان» نیست باید پذیرفته شود مثلاً مکاری ها و غلامان پست و یاپیلهوران که دائماً در حرکت بوده و اقامتگاه معینی ندارند نمیتوان گفت بکلی فاقد آن نیز هستند چه این قبیل اشخاص از نظر اقتضای شغل محل معلوم و ثابتی ندارند ولی در عین حال لامکان نمیباشند و بافرض آنکه آنها را شامل این صفت بدانیم صفات و شرایط لازم دیگر برای ولگردی در آنها وجود ندارد.

ب - نداشتن وسیله معلوم برای زندگی منظور از وسایل معلوم برای زندگی عبارت از راه روشن و سالم برای تحصیل معیشت است پس داشتن عوائد شخصی یا پول نقد باندازه کافی یانقعه و تقاعد و بالاخره هر گونه ماهانه که ولو از مجرای مؤسسات خیریه یا جوه بریه بکسی برسد در حکم وسایل عادی و سالم برای تحصیل معیشت است برعکس و جوه حاصله از فحشاء یا گدائی یا امور خلاف اخلاق و عفت خارج از تعریف فوق و تحصیل کنندگان در صورت دارا بودن شرایط دیگر ولگرد محسوب میشوند. همچنین داشتن وجهی جزئی باوجود شرایط لازم دیگر برای ولگردی خود بیشتر مؤید ارتکاب این گناه است چه شخص بیکار و فاقد مسکن اگر پولی داشت موجبات سوءظن بر منشاء تحصیل آن پول فراهم تر است.

ج - نداشتن پیشه و کار معین و عادی شرط لازم دیگر برای ولگردی آنست که شخص «بطور عادت» بیکار بگردد شغل حقیقی و واقعی نداشته باشد.

د - نداشتن پیشه و کار معین و عادی

شرط لازم دیگر برای ولگردی آنست که شخص «بطور عادت» بیکار بگردد شغل حقیقی و واقعی نداشته باشد.

### کیفیات مشدده

برخی از کشورها باندازه بولگردی و تأثیرات و نتایج آنرا در شیوع یافتن سایر گناهان اهمیت میدهند که در بعض حالات وجود کیفیات مخصوصی را موجب تشدید کیفر میدانند.

مثلاً قانون کیفر فرانسه وجود یکی از شرایط زیر را موجب بالا بردن کیفر و حتی گاه تغییر نوع گناه گرفته است :

- ۱ - هر گاه ولگرد بلباس عوضی ملبس شده باشد.
- ۲ - اگر وی در حال دستگیری دارای اسلحه بوده .
- ۳ - اگر حامل اسباب و لوازم دزدی مثل طناب و سوهان و کلید و امثالها باشد .
- ۴ - اگر دارای مقدار معینی پول ( بیش از ۱۰۰ فرانک ) بوده و نتواند منشاء تحصیل آن پول را بدست دهد .
- ۵ - در صورتیکه در حال اعمال زور و اکراه و اجبار کسی بامری دستگیر شود.

در مورد حالت اخیر اگر ولگرد در حال حمل سلاح و ادوات لازم برای دزدی و پول ( بی آنکه منشاء

تحصیل آن معین باشد) دستگیر شود عملش جنایت محسوب و کیفرش حبس مجرد است.

همچنین هر گاه ولگرد در حال تعقیب یا اعمال زور بکسی دستگیر و حامل لوازم دزدی و بلباس عوضی یا ناشناس ملبس باشد گناهش جنائی و کیفرش حبس مجرد است.

در سایر حالات یعنی هر گاه ولگرد با وجود یکی از کیفیات مشدده نامبرده دستگیر شود گناهش از جنس جنحه ولی کیفر مقرر در باره او شدیدتر از ولگرد عادی است.

در باره هر نوع ولگردی نیز دادرسی اختیار در محرومیت او از اقامت در شهری که دستگیر شده دارد.

### ولگردی اطفال

بیشتر کشورها در مقابل کیفیات مشدده نسبت باشخاص بزرگ جهات مخففه و مخصوصی برای اطفال قائل شده اند باین طریق که چون علل ولگردی و مسئولیت این کار درباره اطفال ناشی از بی قیدی و عدم توجه اولیاء آنها است و بلکه اولیاء بی علاقه و فاسد الاخلاق بیشتر عامل و مسئول مستقیم چنین بدبختی برای طفل میشوند باید بجای تنبیه و تنبه درباره آنها تصمیماتی بر تربیت و اصلاح اتخاذ کرد و آن تبدیل کیفر است به زندگی در دارالتأدیب یا بنگاههایی که برای اصلاح و تربیت اطفال تعیین شده.

بنابراین هر صغیری که اقامتگاه اقوام یا قیم خود

یا محلی که در آنجا سپرده شده بمیل یا جبراً ترک گفته و بدون اشتغال بکسب یا پیشه معینی در بدوزندگی و یا از مشاغل ممنوعه تحصیل معاش کند ولگرد محسوب و بر حسب اقتضا و بسته بقوانین کشورهای متمدن مدارالتأدیب یا بنگاههای مخصوص تربیت اطفال یا بنگاههای معاونت عمومی (اطفال) سپرده می شوند و در هر حال تصمیم قطعی در باره آنها موکول به نظر دادگاه مخصوص اطفال است چه ممکن است دادگاه مزبور پس از بررسی در اوضاع و احوال و کیفیات موجب ولگردی طفل ویرا بکلی بی تقصیر عملش را از روی اجبار تشخیص و در این حال دیگر طفل به عنوان گنهکار تعقیب نمیشود بلکه تصمیمات متخذ در باره او جنبه حمایت و تربیت داشته بهیچ وجه از نظر جزائی مؤثر نیست و در نتیجه دادگاه مزبور میتواند وی را با التزام بعدم ولگردی و یا بطور تحت نظر آزاد کند در هر حال کلیه تصمیمات دادگاه مانند سایرین قابل پژوهش است - و از طرف همان دادگاه حمایت اطفال نیز میتواند تغییر یابد - مثلاً وقتی از تربیت و اصلاح طفل اطمینان حاصل شد و بشغلی پرداخت میتوان ویرا آزاد یا تحت نظر گذارد.

درباره ولگردان بزرگ نیز دادگاه میتواند با گرفتن ضامن و تعهد شخص یا بنگاهی به تکفل از ولگرد یا بکار او داشتن او یا قبول شهرداری محل به نگهداری از او نیز کیفر را تعلیق نمود.

دکتر ع. اخوی

